



The Abdorrahman Boroumand Foundation

---

# کمیسیون عدالت و آشتی مراکش

جمع بندی گزارش نهایی

ترجمه رضا ناصحی



3220 N St NW, Suite 357  
Washington, DC 20007

Promoting human rights and democracy in Iran

در دفاع از حقوق بشر و دموکراسی در ایران

## پیشگفتار

در چارچوب طرح توسعه فرهنگ حقوق بشر و دموکراسی، بنیاد عبدالرحمن برومند بر آن است که به تدریج گزارش و اسناد مربوط به گذار به دموکراسی و نهادینه شدن حقوق بشر در دیگر کشورهای جهان را در اختیار افکار عمومی و فعالان حقوق بشر بگذارد. اولین اقدام بنیاد در این راه انتشار الکترونیکی برگردان فارسی "جمع بندی نهایی گزارش کمیسیون عدالت و آشتی" مراکش است.

روز هفتم ژانویه سال ۲۰۰۴ میلادی پادشاه مراکش، ملک محمد ششم، فرمان تشکیل "کمیسیون عدالت و آشتی" را برای تحقیق و جبران نقض فاحش حقوق بشر در یک دوره چهل و سه ساله پس از استقلال این کشور صادر نمود. این اقدام بی سابقه در خاور میانه و افریقای شمالی، در گذار مراکش به دموکراسی تأثیر به سزایی داشته است.

برای روشن شدن شرایطی که منجر به تأسیس کمیسیون گشت، یاد آوری پیشینه تاریخی آن مفید خواهد بود. برای تدوین این پیشینه از گزارش های سازمان عفو بین الملل، دیده بان حقوق بشر و فراسیون بین المللی حقوق بشر از یک سو و از مطالب وب سایت کمیسیون عدالت و آشتی از سوی دیگر استفاده شده است. ۱

کشور مراکش بنا به معاهده ۳۰ مارس ۱۹۱۲ رسماً تحت الحمایه دولت فرانسه قرار گرفت. در سال ۱۹۴۴ با تأسیس حزب استقلال، نیرو های سیاسی براساس منشور آتلانتیک، که برای همه ملت ها حق خود مختاری قائل شده بود، آشکارا خواهان استقلال شدند. در سال ۱۹۵۳، دولت فرانسه ملک محمد پنجم پادشاه مراکش را به ماداگاسکار تبعید کرد و محمد بن عرفا را در رأس دولت نشانید. این عمل باعث تقویت حس استقلال طلبی در مراکش و تشکیل یک ارتش آزادی بخش شد. هدف نهضت مقاومت مراکش بازگرداندن محمد پنجم و یاری به استقلال تونس و الجزایر نیز بود. در سال ۱۹۵۵ فرانسه با بازگشت پادشاه موافقت نمود و مذاکرات برای استقلال آغاز شد و مراکش در دوم ماه مارس ۱۹۵۶ رسماً استقلال خود را به دست آورد. ملک حسن دوم ۳ مارس ۱۹۶۱ به پادشاهی رسید.

۲۵ سال اول پادشاهی ملک حسن دوم همانند بیشتر دولت-ملت های نو پای منطقه شاهد رشد یک حکومت استبدادی، خودسر، و سرکوبگر بود. شرایط بین المللی جنگ سرد و مخاصمات نظامی با اسپانیا و الجزایر بر سر مسائل ارضی گرایش استبدادی و قهر آمیز دولت را تقویت و تشدید می کرد.

اصلاحات در مراکش همچون بسیاری از کشورهای دیگر، به یمن سقوط شوری، شکست ایدئولوژی های توتالیتر، و بسط مشروعیت جهانی اصول حقوق بشر در دو دهه اخیر آغاز شد. اما برخلاف بسیاری از کشورهای دیگر که تحت فشار جامعه مدنی و نیروهای اپوزیسیون روند دموکراتیزه شدن را در پیش گرفتند، ابتکار عمل در مراکش را خود پادشاه به دست گرفت.

در اواخر دهه ۱۹۸۰ ملک حسن دوم به تدریج دستور آزادی زندانیان سیاسی، از جمله افرادی را صادر نمود که متهم به طرح توطئه‌ای برای یک کودتا بودند. در سال ۱۹۹۱، به دستور پادشاه ۲۷۰ نفر که نوزده سال پیش به دست نیروی انتظامی "مفقود الاثر" شده بودند آزاد شدند. در سال ۱۹۹۳ مراکش معاهدات بین‌المللی در مورد منع شکنجه، تبعض ضد زنان، و حقوق کودک را با گذاشتن قید و شرط‌هایی امضاء کرد. دولت در آخرین سال‌های دهه نود میلادی، به فعالیت‌های سازمان‌های ملی و بین‌المللی حقوق بشر به دیده اغماض نگرینست و به یک گروه مستقل اجازه بازدید از زندان‌ها را داد و مانع از انتشار سالیانه گزارش این گروه در مورد وضعیت زندان‌ها نشد. در سال ۱۹۹۴، بیش از ۴۰۰ زندانی سیاسی توسط پادشاه بخشوده شدند و شخصیت‌های اپوزیسیون در تبعید، امکان بازگشت به کشور یافتند. پادشاه حتی یکی از این افراد، عبدالرحمن یوسفی را به نخست‌وزیری منصوب کرد.

در همین دوران، تغییر اوضاع سیاسی در فضای کلی مملکت محسوس بود. مطبوعات از آزادی بیشتری برخوردار بودند و بحث درباره موضوعاتی مانند فساد مقامات، سوء استفاده‌های مالی، نقض حقوق بشر و مشکلات اجتماعی که پیش از آن ممنوع بود در جرائد مطرح می‌شد. البته اصلاحات نسبی بود و هنوز خطوط سرخی وجود داشت که مطبوعات را به خودسانسوری وامی‌داشت.

یکی از نشانه‌های تغییر رژیم، انتشار کتاب‌های متعددی در مورد سرکوب و خشونت نیروهای انتظامی بود. آنچه بر تعداد زیادی از مخالفان، از چپ‌گرایان تا اسلامیت‌ها و طرفداران استقلال صحرای غربی رفته بود و چگونگی "مفقود الاثر" شدنشان توسط نیروهای انتظامی در افکار عمومی مطرح و مورد بحث قرار گرفت. پس از اینکه پادشاه فرمان عفو "ناپدیدشدگان" را داد و همگی آزاد شدند هنوز چند صد تن از آنان از جمله "مفقودشدگان" بودند.

مقامات مراکشی سال‌ها هرگونه نقض حقوق بشر توسط دولت را قاطعانه تکذیب می‌کردند. حتی ملک حسن دوم در یک مصاحبه تلویزیونی اعلام کرد "اگر حتی یک درصد آنچه عفو بین‌الملل در مورد نقض حقوق بشر می‌گوید حقیقت داشته باشد، من دیگر خواب و آرام نخواهم داشت".<sup>۲</sup> با تشدید فشار جامعه مدنی و نهادهای بین‌المللی، پادشاه با تشکیل "شورای مشورتی حقوق بشر" (۸ ماه مه ۱۹۹۰) اولین گام را به سوی حقیقت برداشت.

"شورای مشورتی حقوق بشر" مأمور شد در مورد نقض فاحش حقوق بشر در گذشته تحقیق کند. شورا نخستین گزارش خود را در ماه اکتبر ۱۹۹۸ منتشر ساخت و اعلام کرد که از ۱۱۲ شهروند مفقود الاثر ۵۶ تن آن‌ها فوت شده‌اند. ملک حسن دوم نتایج تحقیقات شورا را پذیرفت و به آن مأموریت داد که در عرض شش ماه موارد حل نشده افراد مفقود الاثر را روشن کند. وزیر حقوق بشر وقت، اعلام نمود که برای آنان که از بین رفته‌اند گواهی مرگ صادر می‌شود و برای بازماندگان ذیحقشان غرامت در نظر گرفته خواهد شد. شش ماه بعد در ماه آوریل ۱۹۹۹، "شورای مشورتی حقوق بشر" گزارش نهایی خود را در مورد ۱۱۲ مفقود الاثر منتشر کرد و توصیه نمود که پادشاه یک مکانسیم پرداخت غرامت برای تعدادی از قربانیان ایجاد کند، و پس از پایان کار پرداخت غرامت، پرونده "ناپدید شدگان" بسته شود.

سازمان‌های مستقل حقوق بشر در مراکش بلافاصله به عملکرد شورا و توصیه‌هایش اعتراض کردند. اولین اعتراض آنها به رقم ۱۱۲ نفر بود؛ آنان مدعی شدند که نزدیک به ۶۰۰ نفر مفقود الاثر شده‌اند. آنچه بیشتر مورد انتقاد قرار گرفت این بود که شورا جزئیات چگونگی ناپدید شدن و آنچه بر قربانیان رفته بود، و نیز هویت مسئولان خشونت را بر ملا نکرده و حقیقت فاش

نشده است. بدین سان نه تنها شورا نتوانست پرونده "ناپدید شدگان" را یک بار برای همیشه ببندد، بلکه در واقع گزارش آن تنها نخستین مرحله از سلسله اقدامات مقامات مراکشی در رابطه با رویارویی با گذشته و بررسی نقض فاحش حقوق بشر توسط دولت بود.

در این مرحله تعامل مثبت دولت و جامعه مدنی به وضوح دیده می شود. چند ماه بعد از انتشار گزارش "شورای مشورتی حقوق بشر"، ملک محمد ششم، پسر ملک حسن دوم، به پادشاهی رسید. او در سخنرانی ۲۰ اوت ۱۹۹۹ یک ماه پس از تاجگذاری، رسماً مسئولیت دولت را در مورد مفقودالاثر شدن شهروندان تصدیق کرد، امری که پدرش از آن سر باز زده بود. محمد ششم همچنین دستور داد یک "کمیسیون جبران خسارت" برای داوری در باره جبران خسارت روحی و مادی افراد "مفقودالاثر شده" یا بازماندگان نشان، و قربانیان بازداشت های خودسرانه تشکیل شود. در پایان کار این کمیسیون نزدیک به ۱۰۰ میلیون دلار غرامت به قربانیان و یا بازماندگان ذیحقشان از طرف دولت پرداخت شد. تا ۳۱ دسامبر ۱۹۹۹ "کمیسیون جبران خسارت" ۵۱۲۷ فرم مطالبه خسارت دریافت نمود، و در طول ۱۹۶ نشست به شهادت هشت هزار نفر رسیدگی کرد. تا ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۳ که مأموریت اش به اتمام رسید این کمیسیون ۵۵۰۰ حکم صادر کرده بود.

روند کار این کمیسیون، علیرغم اقدامات مثبت، اشکالات مهمی نیز در بر داشت. و نهادهای جامعه مدنی بار دیگر به انتقاد از کاستی های آن پرداختند:

- کار کمیسیون محدود به جبران خسارت برای گروه های خاصی از قربانیان نقض حقوق بشر و نه همه آنان بود و معلوم نبود این گروه ها بر اساس چه ضابطه ای انتخاب شده اند.

- "کمیسیون جبران خسارت"، قدرت پرداخت غرامت به قربانیان را داشت ولی نمی توانست حقایق را بر ملا کند و مسئولان را به پاسخگویی بخواند.

- اعضای کمیسیون، منصوبان شخص پادشاه بودند و طرفین قضایا را نمایندگی نمی کردند.

- روش و معیارهای تعیین مبلغ غرامت شفاف نبود.

- از مراجعین تعهد می گرفت که بی چون و چرا حکم کمیسیون را بپذیرند.

بر اساس این انتقادهای نمایندگان جامعه مدنی مراکش کوشش خود را بر تشکیل یک کمیسیون مستقل حقیقت یاب متمرکز ساختند. در ماه نوامبر ۲۰۰۳، "کمیسیون مشورتی حقوق بشر"، که به تازگی اساسنامه اش اصلاح شده بود و از استقلال بیشتری برخوردار بود به پادشاه توصیه نمود که یک "کمیسیون عدالت و آشتی" تشکیل دهد تا به پرونده "ناپدید شدگان" و بازداشت های خودسرانه رسیدگی کند. به غیر از سه قاضی، همه اعضای این کمیسیون از اعضای اپوزیسیون حکومت ملک حسن دوم انتخاب شد، که یا تجربه زندان های آن دوره را داشتند و یا ناگزیر در تبعید زندگی کرده بودند. رئیس کمیسیون، دریس بن زکری، که بهار سال ۲۰۰۷ درگذشت، خود از دانشجویان چپ گرا بود که در سال ۱۹۷۴ بازداشت و تا زمان عفو ملوکانه ۱۹۹۱ در زندان به سر برده بود. وی پس از آزادی به حرکت حقوق بشری جامعه مدنی پیوست و خود از بنیانگذاران "فوروم مراکشی برای حقیقت و عدالت" بود. در سال ۲۰۰۰ مشاوران ملک محمد ششم از او خواستند که در مورد چگونگی رویارویی با میراث خشونت دوران حکومت پدرش وی را راهنمایی کنند.

اگرچه مصونیت کیفری آمران و عاملان موضوع اصلی نارضایی از کار "کمیسیون عدالت و آشتی" است، اما اقدامات این کمیسیون و گزارش نهایی اش از دو نظر برای آشتی ملی و تقویت نهادهای دموکراتیک در مراکش بسیار مهم است. رویارویی جمعی با حقیقت و تقبیح شرّ در تاریخ مهم ترین دست آورد "کمیسیون عدالت و آشتی" است. این کمیسیون از دسامبر ۲۰۰۴ کار استماع قربانیان و شاهدان را آغاز نمود. روزنامه نگاران، ناظران خارجی، و حتی سازمان های غیر دولتی اجازه یافتند که در این جلسات شرکت کنند. رادیو و تلویزیون استماع شاهدان و قربانیان را مستقیماً پخش کرد. بیش از ۲۰۰ قربانی و خانواده هایشان در این جلسات شرکت جستند و کمیسیون در یک دوره ده هفته ای در ده شهر مراکش نشست داشت. کار کمیسیون دو سال ادامه داشت و پادشاه در ژانویه سال ۲۰۰۶ در حضور بیش از ۲۰۰ تن از قربانیان و خویشاوندان شان نتایج تحقیقات کمیسیون عدالت و آشتی را به اطلاع ملت مراکش رساند.

در جمع بندی گزارش نهایی کمیسیون عدالت و آشتی، به وضوح می توان دید چگونه با بازگو شدن حقیقت، امکان تکرار جنایات کم می شود، و از چه طریقی این نهاد ها بر اصلاحات قانونی و ساختاری تأکید نموده و عاملی مؤثر در ایجاد نهاد های دموکراتیک در درون ساختار حکومتی می شوند.

و بدین سان مراکش با روشی مسالمت آمیز با گذشته خود درگیر شد و با تصدیق ظلم و کوشش در ترمیم آن و جبران خسارات تا حدی حقوق و حیثیت قربانیان را اعاده کرد، گو اینکه جنایت کاران به پاسخگویی خوانده نشدند.

رویا برومند - لادن برومند

سپتامبر ۲۰۰۸

## مقدمه

کمیسیون عدالت و آشتی (در اصل عربی: هیئت الانصاف والمصالحة) در ژانویه سال ۲۰۰۴ به فرمان محمد ششم، پادشاه مراکش تشکیل گردید. او در سخنرانی خود که به همین مناسبت ایراد نمود، با معرفی این هیئت به عنوان کمیسیون حقیقت و انصاف، بُعدی تاریخی به آن داد و مسئولیت بزرگی بر عهده‌اش گذاشت.

این کمیسیون مرکب از یک رئیس و ۱۶ عضو از گرایش‌های گوناگون فکری است که نیمی از آنان از اعضای "شورای مشورتی حقوق بشر"<sup>۳</sup> اند که با هدف پشتیبانی از حقوق بشر و اعتلای آن، در این شورا گرد آمده‌اند. خود این کمیسیون به تعیین جایگاه اعضاء پرداخت که در تاریخ ۱۰ آوریل ۲۰۰۴ توسط فرمان همایونی به تصویب رسیده و در "بولتن رسمی پادشاهی" به تاریخ ۱۲ آوریل ۲۰۰۴ انتشار یافته بود. کمیسیون در اساسنامه‌ی خود، وظایفی را که به عهده داشت، نقض حقوقی که در حوزه اختیارش بود و نحوه سازماندهی کارش را مشخص ساخت و به تفصیل قید کرد.

کمیسیون ۲۳ ماه مهلت داشت، تا یک دوره ۴۳ ساله را، از استقلال کشور در سال ۱۹۵۶ تا تاریخ صدور فرمان پادشاه برای تأسیس کمیسیون مستقل دآوری در سال ۱۹۹۹، مورد بررسی قرار دهد. شیوه کار کمیسیون، شامل بررسی، پژوهش، ارزیابی و دآوری، ارائه‌ی توصیه و پیشنهاد بود. بررسی‌ها مربوط می‌شد به نقض فاحش حقوق بشر که به صورت مداوم و گسترده در طی دوران یادشده اعمال شده بود و ناپدید شدن، بازداشت‌های خودسرانه، شکنجه، خشونت‌های جنسی، تعرض به حق حیات، به ویژه از طریق اعمال زور و تبعید اجباری را در بر می‌گرفت.

کمیسیون به یک برآورد کلی از حل و فصل پرونده در مورد ناپدید شدن به زور و بازداشت خودسرانه پرداخت و تحقیقات و هماهنگی‌هایی را با مقامات دولتی، قربانیان، خانواده و یا نمایندگان آنان و سازمان‌های غیردولتی به عمل آورد. بدین ترتیب، از طریق بررسی‌ها، جمع‌آوری اظهارات شاهدان، استماع علنی اظهارات قربانیان و استماع شاهدان و مسئولان پیشین در پشت درهای بسته، مطالعه آرشيوهای رسمی و جمع‌آوری داده‌ها از کلیه منابعی که در دسترس بود، به کشف حقیقت همت گماشت. کمیسیون از این طریق توانست در پرتو اصول و هنجار (نرم)‌های قوانین جهانی حقوق بشر ماهیت، شدت و زمینه نقض حقوق یادشده را مشخص سازد، موارد ناپدید شدن به زور را آشکار کند و راهکارهایی برای حل و فصل یا مختومه اعلام کردن موارد ناپدید شدن به زور که در آن فوت قربانی محرز شده، توصیه نماید. افزون بر این، به روشن شدن برخی رویدادهایی که منجر به نقض حقوق بشر شده کمک کند و مسئولیت دستگاه دولت، و در مواردی خاص، مسئولیت عوامل غیردولتی را در نقض حقوق مورد بررسی معلوم نماید.

در مورد جبران خسارت، کمیسیون براساس تقاضاهای رسیده از جانب قربانیان نقض فاحش حقوق بشر، یا بازماندگان ذیحق آنان، تحقیق کرد و سپس تصمیم گرفت. کمیسیون علاوه بر تصمیم درباره‌ی پرداخت خسارت، در مورد اعاده سلامت جسمی و روانی، جذب مجدد آنان در جامعه، حل مشکلات قضایی، اداری و حرفه‌ای نیز که در مورد برخی از قربانیان همچنان

وجود داشت، و همچنین در بارهٔ موارد مصادره اموال، توصیه‌هایی ارائه نمود. با توجه به این که برخی مناطق و جماعات، همگی یکجا، مستقیم یا غیرمستقیم، از صدمات و بحران‌های خشونت سیاسی و نقض حقوق ناشی از آن رنج برده‌اند، کمیسیون تصمیم گرفت جایگاه ویژه‌ای به آنان اختصاص دهد تا خسارت وارده به صورت جمعی جبران شود. و توصیه نمود که برنامه‌هایی برای توسعهٔ اجتماعی اقتصادی و فرهنگی چندین شهر و منطقه تصویب و حمایت شود، و تأکید کرد بازداشتگاه‌های غیر قانونی سابق به امور دیگری اختصاص داده شوند.

سرانجام این که کمیسیون یک گزارش نهایی تهیه نمود که در آن نتایج و جمع‌بندی بررسی‌ها و تحقیقات دربارهٔ نقض حقوق و بستر وقوع آن، و نیز توصیه‌ها دربارهٔ اصلاحات لازم برای ثبت خاطره، تضمین عدم تکرار نقض حقوق، ترمیم صدمات، بازسازی و تحکیم اعتماد به نهادها و احترام به قوانین حقوق بشر گنجانده شود.

خلاصه‌ی مهم‌ترین نکات گزارش نهایی کمیسیون:

## کشف حقیقت و تعیین مسئولیت

### I- پروندهٔ اشخاصی که احتمال ناپدید شدنشان می‌رود

فقدان یک تعریف دقیق از ناپیدایی به زور در قوانین مراکش و این که این پدیده بیانگر یک نقض پیچیده حقوق است که تمامی حقوق بشر را که از نظر جهانی محترم شمرده می‌شوند، و در درجهٔ نخست حق حیات را به خطر می‌اندازد، منجر به این شد که در بحث حقوق بشر در مراکش مفهوم "ناپیدایی به زور" با اصطلاحاتی همچون "اشخاصی که سرنوشت‌شان نامعلوم است"، "اشخاص ربوده شده" مشخص شوند. با وجود این، این قبیل تعاریف، تنها شامل ناپیدایی به زور، با تعریفی که از نظر بین‌المللی شده است نمی‌شود، بلکه اشکال دیگر محرومیت خودسرانه از آزادی، و به دنبال آن در بسیاری موارد، محرومیت از حق حیات را نیز در بر می‌گیرد، چه به علت زیاده‌روی، یا اعمال نامتناسب و بیش از حد قهر دولتی در جریان وقایع اجتماعی باشد، و چه ناشی از شکنجه، یا بدرفتاری یا به هنگام درگیری‌های مسلحانه.

از آن جا که برخی از عناصر تشکیل‌دهندهٔ ناپیدایی به زور، در برخی از موارد بازداشت خودسرانه نیز وجود دارند، عناصری همچون پنهان داشتن محل بازداشت و امتناع از آشکار کردن سرنوشت اشخاص زندانی، بنابراین ابهام موجود [در تعاریف یاد شده] افزون‌تر می‌شود.

هنگام بررسی وضعیت واقعی ناپیدایی به زور، و مشخص کردن مسئولیت‌ها در این باره، کمیسیون با انتظارات جامعه و خانواده‌های قربانیان روبرو گردید، چندان که در برابر وضعیت‌های متنوع و پیچیده‌ای قرار گرفت. و به علاوه با کمبود اطلاعاتی مواجه شد که می‌توانستند به بازسازی واقعیت‌ها و عناصر تشکیل‌دهندهٔ این جرم (ناپیدایی به زور) یاری رسانند.

با تحلیل رویدادها و امور مربوط به ناپدید شدن به زور که محرز و از طرف کمیسیون مشخص شده است، می‌توان اعلام کرد که هدف از این نوع نقض حقوق به عنوان شیوه سرکوب، ارباب و وحشت‌آفرینی در میان مخالفان سیاسی و جامعه به طور کلی بوده است.

بدین ترتیب، در نتیجه تحلیل و بررسی پرونده‌هایی که به کمیسیون سپرده شده بود، و با استفاده از نتایج تحقیقات انجام شده، کمیسیون به این جمع‌بندی رسید که [روش] ناپدید شدن به زور در جریان حوادث سیاسی دوران مورد بررسی کمیسیون، علیه اشخاص و گروه‌ها اعمال شده است؛ چنان که کمیسیون توانست این موارد را براساس تعریف خود از این نوع نقض حقوق، همچون ناپدید شدن به زور تلقی کند. با این حال، کمیسیون موارد دیگری از ناپدید شدن به زور را ثبت کرد که [در این موارد] قربانیان، فعالیت سیاسی، انجمنی یا سندیکایی نداشته‌اند.

تحلیل و بررسی موارد ناپدید شدن به زور که در حوزه کار کمیسیون بود، نشان داد که این نقض حقوق به طور کلی علیه اشخاص منفرد، ربوده شده از خانه یا کسانی صورت گرفته است که در شرایط نامعلوم به سر می‌برند، و یا در اماکنی غیرقانونی محبوس شده‌اند.

با توجه به این که مقطع زمانی مورد بررسی، طولانی‌ترین زمانی است که به یک کمیسیون حقیقت‌یاب محول شده است (۴۳ سال)، و این که بحران‌های خشونت سیاسی که بستر نقض فاحش حقوق بشر بوده اند، اشکال بسیار گوناگونی داشته اند، و بسیاری از عوامل دولتی و گاه غیردولتی در آن دست داشته اند، و در شرایط فقدان مدارک معتبر و تحقیقات علمی (آکادمیک) درباره برخی از وقایع تاریخی دوران کنونی مراکش، کار کمیسیون حقیقت با توجه به همه این واقعیت‌ها، شکل‌های مختلفی به خود گرفت.

استماع علنی قربانیان، و پخش سخنان آنان در رسانه‌های عمومی، صدها شهادت ضبط شده که در آرشیو کمیسیون محفوظ است، کنفرانس‌های آکادمیک و ده‌ها سمیناری که توسط کمیسیون‌ها یا سازمان‌های غیردولتی گوناگون برگزار شده اند، به کمیسیون امکان داد تا به بحث عمومی با نظرات گوناگون و در محیطی آرام، درباره نزدیک به ربع قرن از تاریخ کشور دامن زده شود. و نیز در نتیجه این فعالیت‌ها در مورد چندین مقطع تاریخی و انواع نقض حقوق، که تا آن زمان مَهْر سکوت، تابو و شایعه بر آن‌ها زده شده بود، به ویژه در مسئله ناپدید شدن به زور، پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای در کشف حقیقت حاصل شد.

در واقع این مفهوم (ناپدید شدن به زور) در بحث عمومی درباره مسئله حقوق بشر، چندین دسته از افرادی را که سرنوشت‌شان هنوز ناروشن است در برمی‌گیرد. کمیسیون برای روشن ساختن این وضعیت، روشی را در دو مرحله متوازی در پیش گرفت.

**تحقیقات میدانی:** که شامل مصاحبه‌های منظمی است با خانواده اشخاص ناپدید شده، جمع‌آوری شهادت ناپدید شدگان سابق که «پیدا شده» و آزاد گشته اند، مشاهده و بررسی در محل، و انجام تحقیقات در اماکن سابق بازداشت یا حبس، و استماع زندانبانان سابق که در این اماکن مشغول به کار بوده‌اند.

**پژوهش در اسناد و بررسی آرشیوها:** بدین ترتیب کمیسیون با استناد به این یا آن مورد ناپدید شدن (فهرست تهیه شده از طرف سازمان‌های غیردولتی مراکشی، فهرست فراهم شده توسط عفو بین‌الملل، مدارک "گروه کار سازمان ملل متحد در مورد ناپدید شدن به زور و ناخواسته" GTDFI (مجموعه مدارک قابل دسترس را (فهرست اسامی، سایت‌ها، گزارش‌ها و ...) در سطح کشوری و بین‌المللی جمع‌آوری و مورد بررسی قرار داد و به بررسی پاسخ نیروهای امنیتی و،

در موارد نقض حقوقی که در جریان مخاصمات مسلحانه صورت گرفته، نقض حقوق از طرف ارتش پرداخت و نیز مدارک موجود "کمیته بین‌المللی صلیب سرخ" را بررسی و تحلیل نمود.

کمیسیون در جریان استماع [شهادت‌ها]، راست‌آزمایی منابع و بررسی پاسخ‌های رسیده از جانب مقامات، به نتایج زیر رسید:

کمیسیون محل دقیق دفن را مشخص کرد و هویت ۸۹ نفر را که در طی دوران حبس درگذشته بودند کشف نمود: در تازمامارا (Tazmamart) ۳۱ نفر، در آگدز (Agdez) ۳۲ نفر، در کلعت مگونا (Kal'at Mgouna) ۱۶ نفر، در تاگونیت (Tagounite) ۸ نفر، در گوراما (Gourrama) ۱ نفر و در کنار سد منصور الدهبی (Mansour Ad-Dahbi) ۱ نفر.

کمیسیون محل دفن و هویت ۱۱ نفر را که در درگیری‌های مسلحانه کشته شده بودند و از جمله یک گروه هفت نفری را (گروه برکت و مولای شفیع) که در سال ۱۹۶۰ و یک گروه چهار نفری را که در سال ۱۹۶۴ (گروه شیخ العرب) کشته شده بودند، شناسایی و کشف کرد.

تحقیقات کمیسیون نشان داد که ۳۲۵ نفر که برخی گمان داشتند در زمره‌ی ناپدید شدگان اند، در حقیقت طی شورش‌های شهری سال ۱۹۶۵، ۱۹۸۱ و ۱۹۹۰ در اثر ضرب و شتم نیروهای دولتی و در جریان این شورش‌ها کشته شده‌اند. ریز این ارقام بدین شرح است: ۵۰ قربانی در جریان وقایع کازابلانکا در سال ۱۹۶۵، ۱۱۴ نفر در جریان حوادث سال ۱۹۸۱ در کازابلانکا و ۱۱۲ نفر در شهر فس در سال ۱۹۹۰. کمیسیون ۴۹ قربانی وقایع سال ۱۹۸۴ را بدین شرح مشخص نمود: ۱۳ قربانی در ته‌توان، ۴ نفر کسر الکبیر، ۱ نفر تانزه، ۱۲ نفر در الحسیم، ۱۶ نفر در نادور و اطراف آن، ۱ نفر در زعیو و ۲ نفر در برکان. یک منبع پزشکی به کمیسیون اظهار داشت که شمار قربانیان سال ۱۹۸۱ کازابلانکا، ۱۴۲ نفر بوده است. این خبر باید مورد بررسی قرار گیرد.

کمیسیون توانست در برخی موارد هویت و محل دفن قربانیان را کشف کند، در برخی موارد محل دفن را یافت بی‌آنکه هویت قربانیان را مشخص سازد، و بالاخره در برخی موارد هویت قربانیان مشخص شد بی‌آنکه محل دفن آنان کشف شود. به جز یک استثناء (کازابلانکا، ۱۹۸۱)، کمیسیون دریافت که قربانیان را شبانه، بدون حضور خانواده، بدون حکم دادستانی و دخالت او، در گورستان‌های معمولی دفن کرده‌اند.

از سوی دیگر، کمیسیون مشخص نمود که ۱۷۳ نفر طی بازداشت‌های خودسرانه یا به هنگام ناپیدایی، از سال ۱۹۵۶ تا ۱۹۹۹، در بازداشتگاه‌هایی چون دار بریشا، دارالبرکه، تقنیدیلت، کوربیس، درب مولای شریف و ... درگذشته‌اند. اما قادر به کشف محل دفن نگردید. ۳۹ مورد مربوط می‌شد به سال‌های نخست استقلال که مسئولیت بخشی از آن‌ها به عهده عوامل غیردولتی بوده است. دهه ۱۹۷۰ بیشترین تعداد مرگ را دارد (۱۰۹ مورد)، در حالی که در دهه‌های بعدی رو به کاهش گذاشته است: ۹ مورد در دهه ۸۰ و ۲ مورد در دهه ۹۰.

تحقیقات کمیسیون در مورد درگیری‌های مناطق جنوبی کشور موجب روشن شدن سرنوشت ۲۱۱ تن از افرادی شد که ناپدید انگاشته می‌شدند. ۱۴۴ نفر از آنان در جریان یا به دنبال درگیری‌های مسلحانه وفات یافته‌اند. محل فوت و دفن ۴۰ تن از آنان مشخص شد. با این که هویت و محل فوت ۸۸ تن دیگر مشخص گردید، اما محل دفن آنان هنوز ناشناخته مانده است. هویت ۱۲ متوفی احراز نشد، اما ۴ تن دیگر که به حالت زخمی، دستگیر و بستری شده بودند، در بیمارستان فوت کرده‌اند و در گورستان‌هایی که امروز مشخص شده‌اند، دفن گردیدند.

سرانجام، ۶۷ نفر که تصور می‌شد ناپدید شده‌اند، در تاریخ ۳۱ اکتبر سال ۱۹۹۶ توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به شهر تیندوف در الجزایر انتقال یافته بودند.

## نتیجه‌گیری:

تحقیقات کمیسیون به روشن ساختن ۷۴۲ مورد، از طبقات مختلف انجامید:

تحقیقات کمیسیون در مورد ۶۶ تن دیگر از قربانیان، نشان داد که عناصر لازم برای اطلاق ناپیدی به زور در مورد آنان فراهم است و اعلام داشت که برای روشن شدن سرنوشت آنان، دولت مکلف است به این تحقیقات ادامه دهد. تحقیقات کمیسیون امکان پیشرفت در جهت این روشنگری را فراهم ساخت. از این‌رو باید از این تجارب انباشته شده و مدارک، شهادت‌ها و شاخص‌های گرد آمده که متعلق به آرشیو کمیسیون است استفاده نمود.

با این حال، مشکلاتی چند در برابر کشف حقیقت موجود بود، به ویژه ضعف برخی از شهادت‌های شفاهی که کمیسیون آن را با رجوع به منابع کتبی برطرف می‌کرد، وضعیت اسفناک منابع آرشیو ملی، اگر چنانچه وجود داشت، و همکاری ناهمسان دستگاه‌های امنیتی، نادقیقی برخی از شهادت‌های مسئولان سابق و امتناع برخی دیگر از همکاری برای کشف حقیقت، از جمله این مشکلات بود.

کمیسیون در پایان این اقدامات، معتقد است که در زمینه میزان کشف حقیقت در مورد نقض فاحش حقوق بشر در مراکش، پیشرفت قابل توجهی از ژانویه سال ۲۰۰۴ تا نوامبر ۲۰۰۵ حاصل شده است.

## II - بازداشت خودسرانه

برخلاف ناپیدی به زور که به قصد محروم ساختن قربانی از هرگونه حمایت قانونی صورت می‌گیرد، چون همه اقدامات در خارج از چارچوب قانونی و با نادیده گرفتن آن انجام می‌شود، بازداشت خودسرانه عموماً در چارچوب قانون ولی با نقض همه یا بخشی از نص قانون عملی می‌شود.

این اقدام به طور کلی با نقض نص قانون ناظر بر بازداشت موقت مشخص می‌شود. بدین ترتیب، بازداشت خودسرانه، آن طور که در مراکش اعمال شده، از آغاز دهه ۱۹۶۰ به طور منظم به کار رفته است، به ویژه در اموری که جنبه سیاسی دارند و رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دادگاه‌های عادی است.

می‌توان گفت که اعمال بازداشت خودسرانه، چه به پیگرد قضایی منجر می‌شد یا نمی‌شد، با افزودن موادی (disposition) به آئین دادرسی کیفری در مورد بازداشت موقت، قانونی گردید. در واقع نامحدود شدن بازداشت موقت، اختیارات گزافی به دادستان و در نتیجه به پلیس قضایی بخشید

که از اختیارات معمول دادگاه‌ها، که فقط آن‌ها صلاحیت صدور حکم بازداشت را در محدوده تعیین شده توسط قوانین کیفری داشتند، فراتر می‌رفت.

طی دوران پیش از محاکمه، وضعیت برای فردی که قرار بود در بازداشت موقت باشد، عموماً چنین بود:

- به محض ورود زندانی به محل غیرقانونی بازداشت، وادار می‌شد که به طور دائم در وضعیتی یکنواخت بماند، یعنی به جز در جریان شکنجه، در حالت نشسته یا بر روی زمین، با دستبند و چشم‌بند به سر برد.
- ممنوعیت گفتگو با زندانیان دیگر،
- کیفیت بد غذا،
- محدودیت شدید توالت رفتن که بستگی به میل نگهبان داشت.
- فقدان هرگونه بهداشت، زندانیان فقط پس از ماه‌ها حق حمام رفتن داشتند. این وضعیت موجب رنج بسیار برای زنان، به ویژه در ایام عادت ماهانه بود.
- رواج شپش و استفاده بسیار محدود و کم اثر از مواد ضدعفونی کننده.
- امتناع از مداوای مریض، که با تأخیر زیاد و فقط در موارد بسیار اضطراری انجام می‌شد.
- محروم کردن زنان از خدمات بهداشتی در برخی موارد زایمان یا سقط جنین.

تحقیقات کمیسیون نشان داد که علاوه بر مراکز که برای ناپیدایی به زور مورد استفاده قرار می‌گرفت، از مراکز قانونی یا غیرقانونی برای بازداشت‌های خودسرانه استفاده شده است.

اطلاعات گردآمده از قربانیان و استماع شاهدان و تحقیقات میدانی انجام شده، به یافتن برخی از این محل‌ها و مراکز [بازداشت] انجامید. بعلاوه، کمیسیون متوجه گردید که طی دورانی که نقض فاحش حقوق بسیار بوده است، برخی از نهادهای امنیتی کنترل شدیدی بر روی این مراکز داشته‌اند تا نقض حقوق اعمال شده را پنهان کنند. کنترل مشابهی نیز بر بخشی از بیمارستان که مخصوص قربانیان شکنجه بوده، و همین‌طور بر محل تدفین قربانیان اعمال می‌شده است.

### III - شکنجه و بدرفتاری

بررسی پرونده‌هایی که به کمیسیون سپرده شده بود، و نیز شهادت‌های شفاهی در جریان استماع علنی یا پشت درهای بسته، حاکی از اعمال منظم شکنجه بود که تحت اشکال گوناگون برای گرفتن اعتراف از زندانیان یا تنبیه آنان مورد استفاده قرار می‌گرفت. روایت‌های یکسان قربانیان به کمیسیون امکان داد که به نتایج زیرین برسد.

شکنجه بسته به عذابی که قرار بود زندانی متحمل شود، اشکال گوناگونی داشت. روانی یا جسمی، یا هر دو با هم.

از جمله اشکال شکنجه جسمی، باید از تکنیک‌هایی یاد کرد که «طوطی» و «هواپیما» نامیده می‌شوند (که به معنی آویزان کردن قربانی دست و پا بسته، همراه با شلاق زدن به کف پاها و دیگر اعضای بدن است)، و نیز سوزاندن با آتش سیگار، کشیدن ناخن، فرو کردن سر در سطل آب مخلوط با مواد شیمیایی پاک‌کننده، استفاده از پارچه برای رساندن به مرز خفگی، واداشتن قربانیان به نشستن روی بطری.

این روش‌ها علاوه بر وارد کردن صدمات روانی و جسمی، در برخی موارد موجب جراحات جسمی و معلولیت دائمی شده و گاه به فوت قربانی انجامیده است.

شکنجه روانی و جسمی عبارت است از تهدید کردن به مرگ یا به تجاوز جنسی، توهین و انواع دیگری از تحقیر، استفاده‌ی مداوم از دستبند و چشم‌بند که دید و حرکت را ناممکن می‌کنند، [سلول] انفرادی که حس عدم امنیت را افزایش می‌دهد، جلوگیری از خوابیدن، ممنوعیت کامل حرف زدن با زندانیان دیگر، شکنجه یا تهدید به شکنجه‌ی اعضای خانواده یا نزدیکان قربانی.

اولویت اعمال شکنجه در جریان بازجویی در اموری که جنبه سیاسی داشت و به منظور اخذ اعتراف صورت می‌گرفت، در عین حال برای تنبیه و تحقیر جسمی و روانی قربانی هم بود. اعتراف‌گیری به هر قیمت، حالات و روحیات مأموران و نیز فقدان دوره آموزشی برای آنان، مجموعه عواملی بود که اعمال شکنجه را، حتا به موارد مربوط به جرایم عمومی نیز گسترش می‌داد.

عذابی که زنان متحمل می‌شدند، به مراتب وخیم‌تر بود، چرا که علاوه بر تحمل شکنجه به اشکال یادشده، اشکال خاصی از آزار و اذیت توسط مردان برای تحقیر منزلت و حیثیت قربانی مورد استفاده قرار می‌گرفت. زنان گاهی وادار می‌شدند که در برابر شکنجه‌گر عریان شوند، و بدین ترتیب در هراس از تجاوز، که در مواردی صورت می‌گرفت، به سر برند. دوران قاعدگی که زنان از دسترسی به وسایل بهداشتی محروم بودند، بسیار سخت‌تر می‌گذشت.

#### IV - تعرض به حق حیات در اثر استفاده نامتناسب و زیاده از زور

با بررسی داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شده از منابع مختلف، و نیز با تحقیقاتی که توسط کمیسیون صورت گرفت، مسئولیت دستگاه‌های گوناگون امنیتی در اغلب موارد نقض فاحش حقوق بشر، که در حوزه صلاحیت کمیسیون بود، مشخص گردید. بعلاوه، کمیسیون توانست در بسیاری موارد، مسئولیت مشترک و نیز همکاری و همبستگی موجود میان چندین دستگاه امنیتی را آشکار و مشخص نماید.

بررسی پرونده‌های مربوط به حوادث سال‌ها ۱۹۶۵، ۱۹۸۱، ۱۹۸۴ و ۱۹۹۰ که به کمیسیون سپرده شده بود، و نیز تحقیقات و پژوهش‌های انجام شده، به نتیجه‌گیری‌های زیرین انجامید.

- این حوادث با نقض فاحش حقوق بشر، به ویژه تعرض به حق حیات توأم بوده‌اند. بسیاری از شهروندان، از جمله کودکان و افرادی که به هیچ عنوان مشارکتی در این حوادث نداشته‌اند، قربانی شده‌اند.

- این نقض حقوق در نتیجه عدم رعایت هنجارهای بین‌المللی، به ویژه اصول اساسی در مورد توسل به زور و استفاده از سلاح‌های آتشین توسط ضابطان قانون، صورت گرفته‌اند.

- مشخص گردید که دواير امنیتی در بسیاری موارد، گلوله‌های واقعی شلیک کرده اند و از وسایل دیگری که می‌توانست ضمن حفظ جان انسان‌ها، تظاهرات آنان را متفرق نماید استفاده نکرده‌اند.

- بررسی دفاتر ثبت و گواهی‌های مربوط به این حوادث نشان می‌دهد که بسیاری از موارد فوت، ناشی از اصابت گلوله به ناحیه سر، قفسه سینه و شکم بوده است.

- کمیسیون دریافت که شمار زیادی کودک، که سن برخی از آنان کمتر از ۱۰ سال بوده، در میان جان‌باختگان بوده است.

- در برخی موارد، مأموران امنیتی از میان در و پنجره به درون خانه‌ها شلیک کرده‌اند و افراد، از جمله کودکان، کهن‌سالان و زنان را زخمی کرده و باعث مرگ آنان شده‌اند. این واقعیت‌ها که با شهادت‌های جمع‌آوری شده توسط کمیسیون تأیید و در دفاتر ثبت درج شده است، نشان می‌دهد که اجساد قربانیان از درون خانه‌ها بیرون آورده شده‌اند. محل انتقال اجساد و محل دفن نیز مخفی نگاهداشته شده‌اند. مقامات دولتی حتی از درج نام قربانیان در دفاتر ثبت احوال امتناع کرده‌اند.

- مقامات از رساندن امدادهای درمانی برای شهروندان زخمی، از جمله کودکانی که به علت جراحات وارده درگذشته‌اند، خودداری کرده‌اند.

- اجساد، بدون حفظ حرمت جان‌باختگان بر روی هم انباشته شده و توسط کامیون حمل شده‌اند.

- در جریان تحقیقات مربوط به محل دفن قربانیان وقایع اجتماعی، کمیسیون متوجه گردید با این که در خاکسپاری، مراسم مذهبی رعایت شده و قربانیان را در گورستان‌های معمولی دفن کرده‌اند، اما این کار شبانه و بدون حضور خانواده‌ها صورت گرفته است. در سال ۱۹۸۱ در کازابلانکا، مراسم مذهبی رعایت نشده و قربانیان را در دو گور جمعی دفن کرده‌اند.

- در کلیه موارد موضوع تحقیق کمیسیون، مقامات امنیتی، به جز فقط یک مورد، اطلاعی در باره تعداد و علت فوت قربانیان به دادستان کل نداده‌اند. عملیات خاکسپاری بدون اطلاع دادستان کل صورت گرفته است، بدون آن که دواير بهداشتی به انجام کالبد شکافی که توسط قانون مقرر شده مبادرت ورزند. دادستان کل نیز علیرغم انتشار اعلامیه‌های رسمی درباره موارد فوت، پرونده‌ای برای انجام تحقیقات در مورد این وقایع تشکیل نداده است.

- این اعلامیه‌های رسمی به استثنای یک مورد (وقایع ۱۹۸۴ نادر)، همواره اطلاعاتی می‌دهند که مطابقتی با تعداد جان‌باختگان و علت مرگ آنان ندارد.

## ۷- نتیجه‌گیری کلی

مأموریتی که کمیسیون در چارچوب اختیارات‌اش انجام داد، گام مهمی در راه رسیدن به حقیقت بود که با استفاده از اقدامات و تکنیک‌هایی بی‌سابقه، به پیشرفت قابل ملاحظه در شناخت حقیقت در مورد نقض آشکار حقوق بشر انجامید.

شهادت‌های شفاهی که به عنوان یکی از منابع اصلی در اختیار کمیسیون قرار گرفت، به روشن کردن امور مربوط به وقایع مورد تحقیق کمک نمود. با این حال، کمیسیون به محدودیت‌ها و ضعف این شهادت‌ها در برخی موارد پی برد. چرا که رویدادی واحد، از جانب شاهدان آن، به

نحوی متفاوت و گاه متناقض گزارش شده است. بنابراین، برای کشف حقیقت در برخی از موارد مشخص، بخشاً از این شهادت‌ها استفاده شده است. این مشکل، از طریق مقابله و تلاقی داده‌های این شهادت‌ها با اطلاعات جمع‌آوری شده از منابع دیگر، و به ویژه با مدارک و دفاتر رسمی ثبت برطرف گردید.

از این مدارک و دفاتر ثبت، برای کشف حقیقت در باب شماری از وقایع مربوط به پرونده‌ها و موارد، استفاده بسیار به عمل آمد. رسیدن به یک یقین در باره این موارد، بدون آن که اطلاعات گوناگون گردآمده با اطلاعات دفاتر ادارات مختلف ثبت مقایسه شود، به آسانی میسر نمی‌شد. کمیسیون متوجه گردید که در بسیاری موارد، علاوه بر وضعیت رقت‌بار آرشیوها، هیچگونه چارچوب حقوقی یکدستی که بتواند پرداخت هزینه سازمان‌دهی [آرشیو] و امکان دسترسی به آن را تضمین کند و مجازات‌هایی برای تخریب یا نابودی اسناد در نظر بگیرد، وجود ندارد. بعلاوه، کمیسیون نتوانست به بخشی از دفاتر رسمی که ظاهراً وجود داشت، خواه به علت ظفره‌رفتن‌ها خواه به دلیل تحویل دیر هنگام‌شان، دسترسی پیدا کند. کمیسیون به دلیل محدودیت زمانی که برای انجام کار مقرر شده بود، نتوانست به نحو مطلوب از مدارک، دفاتر ثبت و آرشیو‌هایی که توسط برخی نهادها در اختیارش گذاشته شده بود، استفاده کند. (آرشیوهای نظامی مربوط به تاریخ درگیری‌های مسلحانه در استان‌های جنوبی کشور).

همکاری مؤثر دوایر مرکزی و شهرستان وزارت کشور، به کمیسیون امکان داد تا از تسهیلاتی که در اختیارش گذاشته شده بود، به نحو شایانی برای انجام وظایفش در محل استفاده کند. بعلاوه، این همکاری دسترسی کمیسیون به شاهدان متعددی از طیف‌های مختلف و زندانیان را تسهیل نمود، و شهادت‌های آنان به روشن شدن بسیاری از موارد انجامید.

علاوه بر این، نشست‌های منظم کاری که با «مدیر کل مطالعات و اسناد» و «مدیر کل امنیت ملی» برگزار گردید، با تسهیل استماع برخی از مسئولان سابق و بازدید از برخی مراکز و «قرارگاه‌های ثابت» که در طی سال‌های ۱۹۶۰ تا ۷۰، به عنوان مراکز بازداشت مورد استفاده قرار می‌گرفت، به گشایش زمینه‌های تازه‌ای برای انجام تحقیق در باره موارد متعدد کمک کرد. با این حال، این درجه از همکاری، شامل همه اداره‌ها نمی‌شد، و برخی از آنان در مورد پرونده‌های ارائه شده، پاسخ‌های ناقصی دادند.

نشست‌های کاری کمیسیون با مقامات ارشد «نیروهای مسلح پادشاهی» که در آغاز کار کمیسیون برگزار شد، به پیشرفت‌هایی در مورد پرونده اشخاصی که سرنوشت‌شان نامعلوم بود، و یا در بررسی بافتار و زمینه نقض حقوق‌های انجام شده در مناطق جنوبی کشور انجامید.

استماع غیرعلنی برخی از مسئولان سابق نیز به پیشرفت در برخی از موارد کمک نمود. با وجود این، در موارد دیگر، کمیسیون دریافت که کمبودهایی در شهادت‌های ارائه شده موجود است.

برخی از مسئولان سابق از ادای شهادت در برابر کمیسیون خودداری کردند و این امر کمیسیون را از منابع اطلاعاتی که می‌توانستند به کشف حقایق کمک کنند، محروم ساخت.

تعدد مراکز امنیتی که یکی پس از دیگری، به موازات هم یا مشترکاً برای حفظ نظم مداخله کرده‌اند، تعیین میزان مسئولیت هر کدام را در نقض فاحش حقوق در جریان شورش‌ها، دشوار کرده است.

## جبران خسارت های وارده و رعایت عدل و انصاف نسبت به قربانیان

مفهوم جبران [خسارت] در وسیع‌ترین معنا، شامل تدابیر و راه‌حلهایی برای ترمیم زیان‌های وارده بر قربانیان نقش حقوق بشر می‌شود. این راه‌حل‌ها و تدابیر، اغلب اشکال گوناگونی دارند، چه به صورت کلاسیک مربوط به پرداخت خسارات مالی، و چه به اشکال دیگر، مثل اعاده حیثیت، جذب در جامعه، بازگرداندن منزلت انسانی قربانیان و برخورداری از حقوق پایمال شده، و نیز استرداد [اموال].

کمیسیون در رهیافت عمومی خود، مسئله جبران خسارات را با مأموریت‌های دیگری چون کشف حقیقت، برقراری عدل و انصاف و تحکیم پایه‌های آشتی [ملی] که به او محول شده بود، مرتبط گردانید. در نتیجه، کمیسیون توجه داشت که به مسئله جبران خسارت در رابطه با افراد، جماعات یا مناطق، اهمیتی نمادین و از نظر مادی متنوع قائل شود. بعلاوه، کمیسیون این امر را یکی از عناصر اصلی می‌دانست که باید از طرف دولت به رسمیت شناخته شود.

این یکی از عناصر اساسی اصلاحاتی نیز هست که هدف‌اش تضمین عدم تکرار [این گونه وقایع] و ساختن آینده است. بنابراین، در فرایند بازسازی اعتماد، نمی‌توان ترمیم و جبران خسارت را به سادگی، به بازپرداخت‌های مادی یا به کمک‌های اجتماعی تقلیل داد. بلکه قربانیان باید، به عنوان شهروند، از تمامی حقوق‌شان برخوردار شوند، از جمله، از حق مشارکت در اصلاحاتی که به منظور تحکیم حاکمیت قانون صورت می‌گیرد.

### I - اسناد مرجع

کمیسیون از همان آغاز جلسات خود درباره این مسئله، اهمیت خاصی به میراث بین‌المللی در زمینه ترمیم و جبران خسارت (reparation) قائل شد. بدین ترتیب، آخرین تحولات حقوق بین‌الملل را در این زمینه مورد توجه قرار داد و به نتایج زیرین رسید.

چندین پیمان بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بین‌الملل در مورد حقوق بشر، حاوی اصول و تدابیر مهمی هستند که حقوق قربانیان نقض فاحش حقوق را در برخورداری از حق فرجام‌خواهی از مراجع صلاحیت‌دار در سطح کشوری، به صراحت اعلام می‌دارند. برخی اسناد، حتا تدابیر روشنی را مبنی بر حق قربانیان در مورد جبران خسارت و ترمیم، پیش‌بینی می‌کنند.

این امر در کارهای «کمیسیون حقوق بشر» و دیگر سازمان‌های ذیربط، جای مهمی دارد. علاوه بر تلاش‌های سیاسی که در چارچوب کمیسیون مذکور صورت می‌گیرند، یک سند حاوی اصول پایه‌ای و رهنمودهایی که به حق فرجام‌خواهی و جبران خسارت وارده به قربانیان نقض آشکار قوانین بین‌المللی حقوق بشر، و حقوق جهانی بشر مربوط می‌شود، اخیراً به تصویب رسیده است.

## II - تجارب کمیسیون های حقیقت در جهان

کمیسیون اهمیت فراوانی به تجارب کمیسیون های حقیقت که پیش از کمیسیون و یا در جریان انجام مأموریت اش به وجود آمده اند، قائل است. کمیسیون در این باره به مطالعاتی مبادرت ورزید و با همکاری کارشناسان «مرکز بین المللی عدالت در دوران گذار»<sup>۴</sup>، در باره تجربه های مربوط به جبران خسارت تبادل نظرهای عمیقی داشت.

بدین ترتیب، کمیسیون توانست در زمینه فلسفه و اهمیت ترمیم و به ویژه در رابطه اش با کشف حقیقت و بررسی نقض حقوق در چارچوب عدالت دوران گذار، به نتایج و درس هایی دست یابد.

## III - ارزیابی از رهیافت و تجربه نهاد پیشین داوری

کمیسیون با تکیه بر یکی از مواد اساسنامه اش که به او مأموریت داده بود تا به یک ارزیابی کلی از چگونگی حل و فصل نقض فاحش حقوق بشر، به ویژه ارزیابی از تجربه نهاد پیشین داوری مبادرت ورزد، اقدامات زیر را به انجام رساند:

- مجموعه پرونده هایی را که موضوع تصمیم گیری نهاد مستقل داوری بود مورد بررسی و تحلیل قرار داد. مأموریت این نهاد، ترمیم خسارات مادی و روانی قربانیان ناپدید شده به زور و بازداشت های خودسرانه بود. این بررسی، که هم در مورد آراء صادره در باره پرداخت تاوان بود و هم در مورد رد یا عدم صلاحیت، به کمیسیون امکان داد که بر اساس رویه قضایی نهاد پیشین [داوری]، تصمیم بگیرد؛

- در رابطه با اصول، قواعد و معیارهای مقرر برای تعیین میزان تاوان پرداختی به قربانیان، یا به خانواده آنان، رهیافت کلی مرجع داوری را کتباً اعلام نمود.

## IV - تدوین سیاست و برنامه های جبران خسارت

کمیسیون بخش مهمی از نشست ها و فعالیت هایش را به تدوین رهیافت و سیاست خود در مورد ترمیم و جبران خسارت اختصاص داد.

کمیسیون با توجهی که به جلب مشارکت افکار عمومی کشور در وظایف محوله خود داشت، نظراتی را که در جریان کار، از سوی سازمان های کشوری حقوق بشر، چه در مراکش و چه در کشورهای محل مهاجرت ارائه شده بود، یا پیشنهادهای را که در یادداشت های ارسالی به کمیسیون وجود داشت، در نظر گرفت.

بررسی پرونده هایی که در حوزه صلاحیت کمیسیون بود، جمع آوری انواع گوناگونی از نقض حقوق و زیان های وارده به قربانیان، یا اشخاص ذیحق آنان را امکان پذیر ساخت.

در پی مطالعات و ارزیابی هایی که بدین ترتیب جمع آوری گردید، کمیسیون توانست فلسفه، رهیافت و برنامه های خود را در زمینه جبران خسارت تدوین نماید.

کمیسیون توجه ویژه ای به پرداخت غرامت، به عنوان حقوق بنیادی قربانیان نقض فاحش حقوق بشر مبذول داشت. و بدین منظور، اصول، معیارها و واحدهای حسابرسی (unité de compte)

را تعیین نمود تا با توجه به خسارات وارده، و نیز برابری و همبستگی میان قربانیان، مبلغ [تاوان] را مشخص سازد.

کمیسیون برای جبران دیگر زیان‌های وارده به افراد، با پیروی از یک رهیافت کلی و طبق اساسنامه خود، به دیگر اشکال ترمیم و جبران خسارت، از طریق مداوای جسمی و روانی، جذب مجدد در جامعه (reinsertion) حل و فصل مشکلات کاری، اداری و مالی، حقوقی و سلب مالکیت از آنان، به همان اندازه اهمیت داد.

با توجه به این که لازمه جبران زیان‌های وارده، آشکار شدن حقیقت، در نظر گرفتن صدمات ناشی از نقض حقوق، و حفظ خاطره است، کمیسیون این اجزاء اصلی تشکیل‌دهنده ترمیم و جبران خسارت را به ترتیب زیر وارد نمود:

- تصویب ترمیم و جبران خسارت به صورت جماعتی، که هدف اصلی آن مناطقی بود که حقوق بشر در آنجا به صورت فاحشی نقض شده و به طرد و انزوای آنان انجامیده بود؛

- تصویب «رهیافت جنسیتی»، با در نظر گرفتن وضعیت زنانی که متحمل نقض فاحش حقوق شده بودند.

خلاصه آن که، رهیافت پذیرفته شده توسط کمیسیون، در زمینه ترمیم و جبران خسارت، از جمله پرداخت تاوان، بر پایه عوامل زیر استوار است:

- مفاد قوانین بین‌المللی حقوق بشر، تعهدات بین‌المللی مراکش، آموزش‌های ناشی از تجارب عدالت دوران گذار در جهان؛

- به رسمیت شناختن نقض حقوق، کشف حقیقت و تضمین عدم تکرار؛

- اتخاذ تدابیر به منظور ترمیم زیان‌های وارده در سطح فردی و جماعتی؛

- تصویب رهیافت جنسیتی در سیاست و برنامه‌های ترمیم؛

- دخالت دادن جامعه مدنی؛

- تعریف تعهدات کلیه طرف‌ها در زمینه ترمیم خسارت در سطح فردی و جمعی؛

- بازسازی اعتماد؛

- اعاده حیثیت از قربانیان و بازیافتن منزلت‌شان، و نیز تحکیم شهروندی.

## V - رسیدگی به پرونده‌ها

کمیسیون در حله نخست، به تحقیقاتی مقدماتی از تمامی تقاضاهای رسیده مبادرت ورزید که شمارشان به ۲۰۰۴۶ مورد می‌رسید.

در این مرحله، کمیسیون توانست تعداد دقیق تقاضاهای قابل بررسی را که واجد شرایط لازم بودند معین کند. با توجه به این که چندین مورد از تقاضاها، به شخص واحدی مربوط می‌شدند، تعداد پرونده‌ها به ۱۶۸۶۱ رسید. در این مرحله، اکثر تقاضاها، فقط نامه‌هایی بودند فاقد اطلاعات در مورد هویت اشخاص مربوطه، و فاقد داده‌ها و مدارک درباره‌ی اتهامات مندرج در نامه.

کمیسیون پس از آن که برای هر تقاضا يك پرونده تشکیل داد، از راه‌های زیر به تکمیل اطلاعات و داده‌ها پرداخت:

- بازدید از مناطقی که شمار قابل توجهی از تقاضاها از آنجا آمده بود. بازدیدهایی که توأم بود با استماع مستقیم اشخاص ذینفع، برای تکمیل پرونده‌ها؛

- ارسال نامه برای مدعیان برای تکمیل پرونده‌هایشان؛

- به همین منظور، ترتیب دادن ملاقات‌هایی با مدعیان در مقر کمیسیون؛

- تهیه گزارش‌ها و نتیجه‌ی مطالعات، و نیز سازماندهی جلسات استماع و تحقیقات درباره‌ی وقایع و رویدادهای تاریخی مورد مناقشه یا مواردی که هنوز درباره‌ی محل حادثه، نوع آن، میزان نقض حقوق انجام گرفته، طرفین مورد اتهام، شمار و سن قربانیان، مدت بازداشت احتمالی و... تحقیقاتی صورت نگرفته است؛

در مرحله‌ی بعدی تحقیق، پرونده‌ها در دو دسته طبقه‌بندی شدند.

از یک سو پرونده‌های آماده، که کلیه‌ی داده‌ها و مدارک لازم و نیز شواهد و دلایلی که امکان تعیین تکلیف را بدهد، در خود داشتند. در این حالت، تقاضانامه‌ها به صورت خلاصه تنظیم شد، و به کمیسیون امکان داد تا در مورد نقض حقوق عنوان شده، اطمینان یابد، و تصمیمات مناسب اتخاذ کند؛

از سوی دیگر پرونده‌های ناقص، به دلیل فقدان دلایلی که بتوانند اتهامات مطرح شده را تأیید یا تکذیب نمایند. این پرونده‌ها برای انجام تحقیقات تکمیلی، دسته‌بندی شدند.

در جریان مراحل مختلف تحقیق، کمیسیون از همکاری معلمان، محققان دانشگاهی و وکلایی که زیر نظر اعضای گروه کار که مسئله‌ی ترمیم و جبران خسارت را به عهده داشتند، استفاده نمود.

## VI - اتخاذ تصمیم در مورد ترمیم و جبران خسارت

مرحله‌ی تحقیق امکان داد تا مشخص شود که کدام پرونده در حوزه‌ی صلاحیت کمیسیون نیست، و در مورد پرونده‌هایی که در این حوزه می‌گنجد، معین شود که براساس معیارهای کمیسیون، چه افرادی واجد شرایط برای ترمیم و جبران خسارت هستند.

به دنبال آن، کمیسیون برای جبران مالی خسارت و اشکال دیگری از ترمیم، به بررسی پرونده‌ها مبادرت ورزید.

### جبران مالی خسارت

در نتیجه، کمیسیون توانست در مواردی که نقض حقوق بشر محرز شده، و در حوزه صلاحیت‌اش بود، تصمیماتی را در تعیین میزان غرامت اتخاذ کند.

## دیگر اجزاء تشکیل‌دهنده ترمیم در سطح فردی و جمعی

### الف- دیگر اجزاء تشکیل‌دهنده ترمیم در سطح فردی

در مورد حل و فصل مشکلات حقوقی آن دوره، کمیسیون فهرست افرادی را که در زمینه آزادی رفت و آمد با مشکلاتی مواجه بودند تهیه کرد و با وزارت کشور تماس گرفت تا این مشکلات در مرزهای کشوری برطرف شود، و موانع دریافت پاسپورت برای برخی از قربانیان برچیده شود.

به علاوه، به منظور توضیح و بیان محتوا و شمول حقوقی فرمان ملوکانه عفو عمومی، به تاریخ ۴ ژوئیه ۱۹۹۴، یادداشتی را به صورت یک برنامه تهیه نمود.

### ب- حل و فصل وضعیت کاری، اداری و مالی

کمیسیون مواردی را که افراد از کارهای دولتی یا نیمه دولتی، معلق یا اخراج شده، و براساس محتوای پرونده و یادداشت‌های رسیده به کمیسیون، مشکل‌شان حل نشده یا کاملاً حل نشده بود، مشخص نمود.

کمیسیون به ارائه توصیه‌ها و یادداشت‌های حاوی تدابیر پیشنهادی به دستگاه‌های دولت، پرداخت.

### ج- جذب مجدد در جامعه

کمیسیون فهرستی از اشخاص را که واجد شرایط بهره‌مندی از تدابیر مربوط به جذب مجدد در جامعه بودند تهیه نمود. کمیسیون در چارچوب پیگیری توصیه‌هایش، تقاضا دارد برای قربانیانی که به کار یا گذراندن دوره‌های آموزشی نیازمندند، تماس‌هایی با دوایر مربوطه دولتی، "بنیاد همبستگی محمد شش"، کنفدراسیون عمومی شرکت‌های مراکشی برقرار گردد.

کمیسیون برای بهره‌مند کردن قربانیان یا فرزندان برخی از قربانیان، از برنامه‌های آموزشی و دوره‌های آموزش حرفه‌ای، پیشنهادهای ارائه داد.

### د- بازیابی سلامت جسمی و روانی

کمیسیون، امداد پزشکی به قربانیان نقض فاحش حقوق بشر را دارای اولویت دانست و آن را در رهیافت کلی خود درباره ترمیم و جبران خسارت، وارد کرد.

کمیسیون بر اساس بررسی مدارک پزشکی موجود در پرونده‌ها، به یک تشخیص مقدماتی از وضعیت سلامت جسمی و روانی قربانیان نقض حقوق بشر دست یافت.

هدف اصلی این بررسی، برآورد نوع و اهمیت عوارضی بود که قربانیان از آن در رنج بودند و سپس، در نظر گرفتن جایگزین‌ها و راهبردهایی برای تأمین مراقبت‌های دائمی هم برای اشخاص رنجور از بیماری یا ناتوانی و هم برای مجموعه قربانیان و افراد ذیحق آنان.

به همین منظور، کمیسیون از گروهی از پزشکان عمومی و متخصصی که از طرف وزارت بهداشت در اختیارش گذاشته شده بود، درخواست کمک نمود.

۲۰۰۶ نفر، یعنی ۱/۲۰ درصد، مدارک پزشکی بسیار معتبر و یا با اعتبار متوسط ارائه کردند که گواه وضعیت سلامتی و یا لزوم معاینه پزشکی آنان بود که در واحد پزشکی کمیسیون، یا در چارچوب معایناتی که در محل، توسط کمیسیون و با همکاری وزارت بهداشت (مناطق جنوبی) سازمان داده شده بود، صورت گرفت.

کمیسیون در طی دوران مأموریت خود علاوه بر اقدام به سود چندین قربانی نیازمند مراقبت‌های فوری، توصیه‌هایی بدین قرار ارائه کرد.

- جملگی قربانیان فاحش حقوق بشر، از جمله کسانی که توسط کمیسیون مشخص شده اند، تحت پوشش پزشکی درآیند.

- مداوای فوری ۵۰ تن از قربانیان که از عوارض بیماری‌های وخیم و ادواری در رنج‌اند به عهده گرفته شود.

- یک نهاد پایدار برای راهنمایی و کمک به قربانیان خشونت و بدرفتاری ایجاد شود.

#### ه- استرداد اموال

کمیسیون به مواردی از مصادره اموال برخورد، و با تهیه فهرست‌هایی درباره وضعیت حقیقی و حقوقی صاحبان اموال، توصیه‌هایی ارائه نمود. بدین ترتیب، کمیسیون سه دسته را متمایز نمود:

- موارد مصادره اموال مترتب بر نقض حقوق توسط دولت؛

- مواردی که به هنگام ناپیدایی یا بازداشت خودسرانه یا تبعید اجباری، مالکیت آنان مورد تعرض غیر قرار می‌گیرد؛

- موارد سلب مالکیت برای مقاصد عام‌المنفعه.

#### ترمیم و جبران خسارت جماعات

اساسنامه کمیسیون، نحوه ترمیم جماعتی را مشخص کرده بود. کمیسیون با تکیه بر نتایج و جمع‌بندی بازدیدهای میدانی، چه در مناطقی که نقض فاحش حقوق صورت گرفته بود، و چه در مناطقی که مراکز ناپیدایی به زور یا بازداشت خودسرانه وجود داشت، رهیافت یادشده را تقویت کرد. علاوه بر آن، کمیسیون به مطالعات و پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام گرفته بود، و نیز تحلیل‌ها و مباحثات مترتب بر آنها تکیه نمود.

این رهیافت، از جمله به یمن مناسبات همکاری میان کمیسیون با جمع فعالان ذیربط، در طی بازدید از مناطق مورد نظر و در جریان تحقیقات و در حاشیه استماع علنی جلسات گفت و شنود با فعالان محلی که کمیسیون برگزار می‌کرد، یا شرکت در سمینارهایی که به ابتکار آنان برپا شده بود، کامل‌تر گردید.

بدین ترتیب کمیسیون، سازمان‌های غیردولتی حقوق بشر و توسعه محلی و مؤسسات دولتی توسعه را که در این مناطق فعالیت داشتند، در کار خود سهیم نمود.

مشارکت این همکاران، به تهیه فهرستی از نیازهای اولویت‌دار و برنامه‌های توسعه انجامید تا پیشنهادهایی را برای تحکیم اقدامات جاری، یا توجه به حوزه‌های دیگر فعالیت، یعنی حوزه‌هایی که در برنامه‌های قبلی پیش‌بینی نشده بود، ارائه کند، و از این طریق، میان دست‌اندرکاران دولتی و خصوصی نقش میانجی به عهده بگیرد.

### ترازنامه کلی اقدامات کمیسیون در زمینه ترمیم و جبران خسارت در سطح فردی

الف- شمار پرونده‌های سپرده شده به کمیسیون: ۱۶۸۶۱

ب- طبقه‌بندی پرونده‌هایی که پاسخ مثبت داشتند:

شمار پرونده‌ها	نتیجه رأی	در صد
پرداخت تاوان مالی	۶۳۸۵	۳۷،۹
پرداخت تاوان مالی و ترمیم دیگر خسارات وارده	۱۸۹۵	۱۱،۲
فقط ارائه توصیه	۱۴۹۹	۸،۹
جمع کل	۹۷۷۹	۵۸

ج- طبقه‌بندی پرونده‌های باقی مانده

نتیجه رأی	شمار پرونده‌ها	در صد
رأی عدم صلاحیت و احاله به مرجع صلاحیت‌دار	۶۶	۰،۴
بستن پرونده	۱۸	۰،۱
ردّ پرونده	۸۵۴	۵،۱
عدم صدور رأی	۱۵۰	۰،۹
غیر قابل قبول	۹۲۷	۵،۵
عدم صلاحیت	۴۸۷۷	۲۸،۹
ناکامل بودن پرونده	۱۹۰	۱،۱
جمع کل	۶۸۹	۴۲
	۲	

ترمیم و جبران خسارت جماعتی (communautaire)

بر اساس گزارش کمیسیون که برخی از مناطق و جوامع در اثر بحران‌های خشونت سیاسی و نقض حقوق مترتب بر آن‌ها، مستقیماً یا به طور غیرمستقیم، به صورت جمعی آسیب دیده‌اند، کمیسیون را به انجام اقدامات زیر هدایت کرد:

- سازماندهی و شرکت در سمینارها در شهرهای مختلف و مناطق (فیگیگ، ال حوسیما، ارشیدیا، خنیفرا، مراکش و غیره)،

- برگزاری یک نشست وسیع درباره ترمیم و جبران خسارت، با شرکت بیش از ۲۰۰ انجمن و حدود پنجاه کارشناس ملی و بین‌المللی،

- سازماندهی چندین جلسه گفت و شنود با فعالان جامعه مدنی و مقامات دولتی.

کمیسیون در این زمینه، توصیه کرد که برنامه‌های توسعه اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی برای مناطق و گروه‌های قربانی (به ویژه زنان) در چندین شهر (کازابلانکا) و منطقه، از جمله ریف،

منطقه فی‌گیگ، تازمامار، اگدز- زاگوزا، اطلس وسطی و ... تصویب شود و مورد حمایت قرار گیرد.

کمیسیون به ویژه توصیه کرد که بازداشتگاه های غیرقانونی پیشین را جهت استفاده های دیگر متحول کنند (تازمامار، اگدز، درب مولای شریف در کازابلانکا، ...). هم اکنون اقداماتی در این جهت در حال انجام است. بدین‌سان، پادگان نزدیک تازمامار تخلیه شد، و اسکان مجدد ساکنان این قرارگاه که از طبقه همکف آن به عنوان مرکز [بازداشت] درب مولای شریف استفاده می‌شد، در جریان است.

## آشتی

### 1- روال و مبانی آشتی

فرآیند تدریجی آشتی در مراکش، از آغاز سال‌های ۱۹۹۰ شروع شد. این فرآیند که به ویژه شامل اصلاح قانون اساسی بود با رأی مثبت اپوزیسیون به بازبینی در قانون اساسی ۱۹۹۶، تشکیل حکومت جایگزین‌پذیر و تصویب قوانینی در رابطه با حقوق بشر و حاکمیت قانون تکمیل گردید. این روند به اصلاحات قانونی مهمی انجامید: تدابیری برای برقراری آزادی‌های اجتماعی، انتخابات و لغو قوانین بازمانده از دوران قیمومت در نظر گرفته شد و تحقق آشتی تاریخی میان دست‌اندر کاران سیاسی و ایدئولوژیک به مناسبت اصلاح «قوانین احوال شخصی» (code du statut personnel) عملی گردید.

در عین حال، تضمین‌های قانونی حمایت از حقوق بشر تقویت گردید. ابتدا با ایجاد "شورای مشورتی حقوق بشر" (CCDH)، سپس با اصلاح آن، به ویژه از طریق هماهنگ کردن اساسنامه‌اش با اصول پاریس، ایجاد دادگاه‌های اداری، "انسنتیوی سلطنتی فرهنگ آمادیق (IRCAM)، "دیوان المدحلیم" و "شورای عالی رسانه‌های سمعی و بصری" (HACA).

این تحولات به افزایش آگاهی نسبت به اهمیت مشارکت شهروندان در اداره امور اجتماعی، در سطح کشوری و منطقه‌ای یاری رسانید، و همچنین آزادی بیان، انجمن و اجتماعات را تقویت کرد.

این تحولات مقدمات آشتی مراکشیان با تاریخ‌شان را فراهم ساخت.

به یمن این تحولات سیاسی و قانونی، بحث درباره حقوق بشر در سطح کشور، از نظر فکری

پیشرفت شایانی داشت و موجب گردید که جنبش حقوق بشر مراکش نگاه خود را به روی آموزه‌های مکتب‌های نوین حقوق بین‌المللی و تجربه‌های جهانی عدالت دوران گذار، بازتر کند.

در این موقعیت، و طبق تمایل مراکشیان به آشتی با گذشته و حل و فصل مسالمت‌آمیز، عادلانه و بی‌طرفانه موارد نقض حقوق، همچنانکه پادشاه در گفتار مهم خود به مناسبت ایجاد کمیسیون متذکر شده بود، تجربه مراکش به جای عدالت کیفری (justice accusatoire) [که محدود به مجادله و رویارویی شاکی و متهم در پیشگاه قاضی است و در فضای بسته ی دادگاه اجرا می شود]، عدالت ترمیمی (justice restaurative)، و به جای حقیقت قضایی، حقیقت تاریخی را

برگزید، چرا که جایگاه عدالت ترمیمی، فضای محدود دادگاه نیست، بلکه فضاییست عمومی که عرصه اقدامات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را نیز در بر می‌گیرد.

اساسنامه کمیسیون، به ویژه بند ۷ از ماده ۹، از جمله اهداف استراتژی آورده است "گسترش و ارتقاء فرهنگ گفت و شنود، تحکیم مبانی آشتی معطوف به استقرار گذار دموکراتیک، تقویت بنیاد حاکمیت قانون، ریشه‌دار کردن ارزش‌ها و فرهنگ شهروندی و حقوق بشر".

با توجه به این که آشتی، روندی است مداوم، کمیسیون آن را به هدفی بدل کرده است که همچون خط ممتدی در کلیه برنامه‌ها و فعالیت‌هایش حضور دارد. بدین ترتیب، کمیسیون از همان آغاز فعالیت با برگزاری چندین نشست وسیع، ملاقات‌ها و بازدیدها در محل که سرتاسر کشور را در بر می‌گرفت، شرایط لازم برای بحثی آزاد، مسئولانه و با دیدگاه‌های گوناگون را حول بنیادهای آشتی ایجاد نمود. کمیسیون برای انجام این کار، روش فعالیت همجوار و تبادل نظر در ابعاد اطلاعاتی و اجتماعی را در پیش گرفت؛ تا در عین حال، با جلب مشارکت دست‌اندر کاران مختلف به منظور دست یافتن به خوانشی مشترک، از یک سو فهم آسیب‌ها، اختلالات و نقض حقوق در گذشته را میسر کند و از سوی دیگر، حافظه‌ای جمعی ایجاد کند که طی دوران‌های سرکوب، اغلب پنهان مانده بود.

ایجاد یک حافظه جمعی، نیازمند بحث متقابل، آزاد و دموکراتیک به منظور بازسازی هویت جمعی، به مثابه عنصر تشکیل‌دهنده ملت است. برای همین است که کشف حقیقت، و تصدیق رسمی موارد نقض حقوق بشر در گذشته، به دور از هرگونه اعمال زور و فشار برای رسیدن به اشکالی از بخشایش یا آشتی فردی میان قربانیان و ناقضان احتمالی حقوق بشر، می‌تواند به بازسازی مؤلفه‌های این حافظه، و همچنین، به تصدیق مؤلفه‌های آشتی در معنای اجتماعی‌اش بسیار کمک کند.

کمیسیون با توجه به رابطه تنگاتنگ میان آشتی و حفظ حافظه جمعی، با ادغام جماعات و مناطقی که ساکنان آن، به دلیل رویدادهای تاریخی خاصی که به نقض فاحش حقوق بشر انجامیده بود، و یا به دلیل وجود بازداشتگاه‌ها و زندان‌های مخفی در آن سرزمین، احساس می‌کردند طرد شده اند، تصمیم گرفت که دایره شمول اشخاص ذینفع را در برنامه‌های ترمیم و جبران خسارت گسترش دهد. هدف از ترمیم و جبران خسارت به صورت جماعتی، تقویت روح شهروندی، انسجام و همبستگی اجتماعی است. بعلاوه، این روش، به تقویت رهیافت مبتنی بر حقوق بشر، دموکراسی و مشارکت در برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی جاری کمک می‌کند.

براساس این جهت‌گیری‌ها، هدف اصلی کمیسیون، برخوردار کردن قربانیان نقض فاحش حقوق بشر از امکان تطابق و جذب مجدد آنان در جامعه برای بازیابی منزلت انسانی‌شان بود. و این، با ایجاد پیوند میان برنامه‌هایی که بدین منظور طراحی شده بود و ترمیم به صورت جماعتی میسر گردید تا این امکان برای جامعه فراهم شود که در سطح محلی و سراسری، از طریق شهروندی مشارکتی در کار تحکیم دموکراتیک و اعتمادسازی نسبت به حاکمیت قانون که رعایت عدالت اجتماعی و موفقیت پروژه برپایی یک جامعه دموکراتیک و مدرن را تضمین می‌کند، مصممانه درگیر شود.

کمیسیون، حقیقت‌یابی آشکار و علنی نقض فاحش حقوق بشر را اصل گرفت و به بحث آزاد، بی‌طرفانه و باز به روی همگان، به مثابه یک گزینه استراتژیک دامن زد تا به جای اینکه به مسئولیت افراد بپردازد، مسئولیت دولت را مشخص سازد.

یکی از جلوه‌های مهم آشتی، تمایل به برقراری تضمین‌هایی برای عدم تکرار و پیش‌گیری [نقض حقوق] است. بدین منظور، کمیسیون معتقد است که ادامه اصلاحاتی که از سال‌های ۱۹۹۰ آغاز شده است، ضامن رعایت حقوق بشر و تحکیم فرآیند استقرار حاکمیت قانون می‌باشد که هدف نهایی‌اش، پرهیز از فروکاستن دموکراسی به ساز و کارهای صرفاً صوری است.

کمیسیون از طریق فرآیند آگاهی از حقیقت و عدالت، بر بازگرداندن منزلت انسانی قربانیان به مثابه شهروندانی تمام عیار، و اعاده حیثیت از آنان و تسکین رنج‌های‌شان همت گماشت. به علاوه، کوشید تا آگاهی جامعه از رویدادهای گذشته را غنی‌تر کند و التزام به رعایت حقوق بشر را گسترش دهد؛ این همه، مؤلفه‌هایی‌ست که تقویت همبستگی ملی و وفاق اجتماعی را امکان‌پذیر می‌سازد، که بالاترین هدف آن، فراهم کردن شرایط واقعی برای کاهش تنش‌ها، بازسازی اعتماد، دادن امید به جامعه و پایان دادن به حل و فصل غیرمسالمت‌آمیز مشکلات است.

## 2- پیش‌شرط‌های بنیادی آشتی

### آشکار ساختن و اعتراف علنی: استماع علنی

کمیسیون به منظور بازسازی منزلت انسانی و اعاده حیثیت و ایجاد همدردی با درد و رنج قربانیان نقض حقوق در گذشته، تسکین صدمات روانی و حفظ حافظه جمعی، در شش منطقه از کشور، هفت جلسه استماع علنی با شرکت این قربانیان برگزار نمود. این جلسات علنی که چند مورد آن به طور مستقیم از رادیو و تلویزیون دولتی پخش شد، نقش مهمی در آموزش مسئولان، افکار عمومی، جامعه و نسل‌های جدید ایفا نمود، و برای عدالت و آشتی، اهمیت بسیاری داشت.

برای نخستین بار، قربانیان امکان یافتند که صدای خود را از طریق تریبون رسمی دولت به گوش‌ها برسانند و شهادت‌های‌شان را که برای تفهیم میزان وخامت نقض حقوق در گذشته کافی بود، و رنج‌های ناشی از آن را برای همگان توضیح دهند. این امر امکان داد تا بر ضرورت پیوند اراده همگانی، یعنی اراده‌ی دولت و جامعه برای پیش‌گیری از هرگونه تکرار این اعمال تأکید شود. بدین ترتیب، قربانیانی که نسل‌ها، گروه‌ها و مناطق گوناگونی را نمایندگی می‌کردند با شرکت در نخستین و دومین جلسه‌ای که به تاریخ ۲۱ و ۲۲ دسامبر سال ۲۰۰۴ در رباط برگزار شد، به طرح «یک روایت ملی» درباره نقض حقوق بشر مبادرت ورزیدند. و در عین حال، به درخشیدن تجربه مراکش و به تصریح حرکت مصممانه این کشور در راه دموکراسی و مدرنیته، یاری نمودند.

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های جلسه‌های استماع عمومی، نقشی‌ست که از نظر آموزشی و تربیتی در آشنا کردن دولت و جامعه نسبت به ضرورت احترام به حقوق بشر و ایجاد اعتقاد عمیق به وظیفه حفظ و ارتقای این حقوق دارد. این جلسه‌های همچنین، بر ضرورت حل و فصل عادلانه و قطعی پرونده‌های نقض حقوق، و پیش‌بینی تضمین‌های لازم برای عدم تکرار آن‌ها تأکید نمودند. این امر از طریق به رسمیت شناختن رسمی و علنی ابعاد نقض حقوق در کشور ما، عذابی که به قربانیان، خانواده آنان، نزدیکان و آشنایان‌شان وارد شده، و اثر روانی، اخلاقی که در سطح محلی یا کشوری بر جای گذاشته، تحقق می‌یابد.

کمیسیون در حاشیه این نشست‌ها، دیدارهای عمومی در چندین شهر و منطقه سازمان داد تا با دست‌اندرکاران گوناگون رایزنی کند و نظر آنان را درباره گزینش بهترین راه برای تضمین ترمیم و جبران زیان‌های جمعی که به منطقه آنان وارد شده، و آشتی شهروندان با محیط و تاریخ شان، جویا شود.

### گفتگوی ملی درباره مبانی رفرم و آشتی

کمیسیون از همان آغاز فعالیت‌هایش، توجه داشت که شرایط لازم را برای گفت و گوی آزاد و بحثی جدی حول بنیادهای آشتی به وجود آورد، و آن را از طریق سازمان دادن نشست‌های جمعی، ملاقات‌ها و دیدارهایی در محل و دربرگیرندهی اکثر مناطق کشور به پیش برد.

کمیسیون در جریان این دیدارها و تماس با قربانیان و نزدیکان‌شان در مناطقی که صحنه نقض فاحش حقوق بشر بوده اند، شهادت‌های آنان را جمع‌آوری نمود و کمک‌های روانی و اجتماعی در اختیارشان گذاشت و پرونده‌های آنان را تکمیل کرد. علاوه بر این، با همکاری وزارت کشور مراکزی را برای قبول شکایات متقاضیان و اشخاص ذیحق آنان در آزیلال، بنی ملال و استان‌های جنوبی و شمالی کشور گشود.

بحث و رایزنی با قربانیان و بازماندگان ذیحق آنان، در فضایی از صراحت و شفافیت صورت گرفت و لحظاتی بود که از نظر درمانی (تراپی)، نقشی را که جلسه‌های استماع عمومی داشتند، تکمیل می‌کرد.

کمیسیون به مناسبت این دیدارها، برای کسب اطلاعات، ملاقات‌هایی با نقش آفرینان صحنه‌ی سیاسی، سندیکایی، انجمنی و منتخبان محلی این مناطق برگزار نمود تا تجربه‌ی مراکش را از نظر عدالت دوران گذار توضیح دهد، و بر اهمیت فرآیند آشتی با تاریخ، محیط و خویشتن خود، به عنوان عامل تحکیم گذار دموکراتیک تأکید نماید.

با اعتقاد راسخ به این که تسویه حساب با گذشته و مشارکت در ساختمان یک دولت مدرن و دموکراتیک و جامعه‌ای که رعایت حقوق را تضمین نموده و تکالیف را به دقت تعریف کند، کار کلیه‌ی مراکشیان است که در این کار باید از طریق تشکل‌های اجتماعی، سیاسی و انجمنی در ایجاد آن شرکت کنند، کمیسیون سلسله دیدارهای مشورتی و نشست‌های وسیع در چندین دانشگاه و با شرکت فعالان سیاسی، سندیکایی و انجمنی برپا کرد. بعلاوه، برای انجام مطالعات و تهیه اسناد مقدماتی به منظور تنظیم گزارش نهایی در رابطه با مسائل و مشکلاتی نظیر ناپدید شدن به زور، بازداشت خودسرانه، آموزش حقوق بشر، مسئله‌ی جنسیت و نقض حقوق، از روشنفکران و دانشمندان کشور درخواست کمک نمود. کمیسیون در عین حال از کمک‌های آنان در مورد تکمیل و غنی کردن توصیه‌ها و پیشنهادهایش استفاده کرد.

کمیسیون در شهرهای رباط، مراکش، تانزه و کازابلانکا به طور عمومی، سمینارهای علمی با موضوع‌های زیر برگزار نمود:

- بررسی و نقد ادبیات مربوط به زندانی سیاسی؛
- مسئله‌ی خشونت دولت از نقطه نظر تئوریک، حقوقی، سیاسی و تاریخی؛

- مفهوم حقیقت با توجه به ابعاد فلسفی، انسانی و حقوقی آن؛
- محاکمه‌های سیاسی در مراکش که از نظر زمانی و شرح وظایف، در چارچوب صلاحیت کمیسیون می‌گنجید؛
- کمیسیون يك فروم سراسری نیز درباره‌ی ترمیم و جبران خسارت سازمان داد.

در این برنامه‌ها، سرشناس‌ترین فعالان حقوق بشر، و نیز نمایندگان گوناگون نهادهای انجمنی و شماری از روشنفکران، پژوهشگران، دانشمندان و دست اندرکاران، شرکت داشتند.

افزون بر این، پنج جلسه مباحثه، به صورت بحث‌های عمومی از طریق رسانه‌های سمعی و بصری و تارنمای کمیسیون پخش گردید.

هدف از این مباحثات، شرکت دادن افکار عمومی در اندیشیدن آزاد و مسئولانه درباره‌ی بافتار سیاسی، ایدئولوژیک و تاریخی موارد نقض حقوق بشر در سال‌های نخست استقلال مراکش، و زمینه‌های آن، و نیز درباره‌ی تأثیرات آن بر تحول سیاسی در مراکش بود. به علاوه، این هدف را نیز داشت که به تدارک پروژه‌ها و برنامه‌های عملی در مورد حاکمیت قانون، و حفظ آزادی‌ها و تضمین عدم تکرار [نقض حقوق] یاری رساند.

کارشناسان، پژوهشگران و فعالان دنیای سیاست و جامعه مدنی در این کارها مشارکت داشتند و به بررسی بافتارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی موارد نقض حقوق، و یافتن راه حل‌های عملی برای پرهیز از شیوه‌های مجازاتی که ناقض اصول حقوق بشر است، پرداختند. برای حمایت از آزادی‌ها و دوام حاکمیت قانون، پیشنهادهایی نیز در زمینه‌ی اصلاحات قانونی، قضایی و آموزشی ارائه دادند.

### **حفظ حافظه به صورت سازنده و پرداختن به مسئله آرشیوها**

آشتی با تاریخ در عین حل مستلزم آن است که موانع تحقیقات تاریخی از میان برداشته شوند، و برای حفظ حافظه، تجربه‌های انباشته شده در طول نسل‌ها، و نیز ارتباط میان آن‌ها نظام‌مند گردند. انجام این کار، نیازمند بازبینی کلی در وضعیت آرشیوهای عمومی و ایجاد شرایط یک رفرم عمیق است.

بدین منظور، کمیسیون نشستی را حول مسئله‌ی آرشیوها در مراکش بر پا نمود که در آن، متخصصان تاریخ، متخصصان آرشیو و اسناد شرکت داشتند. موضوع‌های مورد نظر عبارت بود از:

- جلب توجه اشخاص ذینفع به ضرورت سامان بخشیدن به آرشیوها؛
- ایجاد آرشیوها و مؤسسه‌ی ملی آرشیو، در چارچوب به روشنی تعریف شده و از نظر حقوقی شفاف، و نیز تأمین مراقبت، حفظ، توسعه و نحوه‌ی استفاده از این آرشیوها، و تأمین دسترسی شهروندان، پژوهشگران و مؤسسات به آن‌ها؛

- تقویت و به روز کردن برنامه‌های آموزشی درباره‌ی آرشیو، به طوری که صلاحیت کاری منابع انسانی شاغل در این زمینه را با تجهیز آنان به قابلیت‌ها و آشنایی با فنون کار، که لازمه‌ی مدیریت عقلانی و دموکراتیک آرشیوهاست، تأمین کند.

کمیسیون در چارچوب حل و فصل قطعی عوارض ناپدیدی به زور، خود را ملزم دید که برای حفظ حافظه، رهیافت تازه‌ای تدارک ببیند و توصیه نماید که بازداشت‌های غیر قانونی یا زندان در گذشته به پروژیهایی سازنده بدل شوند و بتوانند در خدمت حفظ حافظه قرار بگیرند.

در این چارچوب، ملاقات‌ها و گفت و گوهایی با عوامل محلی، از جمله منتخبان محلی، انجمن‌ها، احزاب سیاسی و مقامات محلی در مناطقی که این مراکز وجود داشت، ترتیب یافت. و همچنین با اشخاص و گروه‌های ساکن در منطقه، که در حاشیه ماندن و انزوای آنان، براساس اظهارات شهروندان، ناشی از نقض حقوق در گذشته در اطلس وسطی، ریف شرقی، منطقه‌ی جنوب شرقی و حوض بوده است.

## توصیه‌ها

برای تضمین عدم تکرار نقض حقوق بشر و برای تحکیم روند اصلاحات جاری در کشور، یک سلسله از توصیه‌ها به ویژه در رابطه با اصلاح قانون اساسی، اعمال یک استراتژی ملی علیه مصونیت از مجازات و پیگیری توصیه‌ها، از جانب کمیسیون ارائه گردید.

### I - تحکیم ضمانت‌های حقوق بشر در قانون اساسی

به ویژه از طریق اولویت دادن به قوانین بین المللی حقوق بشر نسبت به حقوق داخلی، اصل برائت و حق برخورداری از محاکمه‌ی عادلانه، ... بعلاوه، کمیسیون توصیه می‌کند که اصل تفکیک قوا، و ممنوعیت مداخله قوه اجرائیه در تشکیلات و نحوه کار قوه قضائیه، در قانون اساسی درج گردد.

توصیه می‌کند موارد زیر به صراحت در قانون اساسی قید شود: مفاد آزادی‌ها و حقوق اساسی آزادی رفت و آمد، بیان، تظاهرات، انجمن‌ها، حق اعتصاب و ...، و نیز اصولی چون محرمانه بودن مکاتبات، عدم تعرض به منازل و محترم شمردن زندگی خصوصی.

کمیسیون توصیه می‌کند که در قانون اساسی، علاوه بر تقویت نظارت بر مطابقت قوانین و مقررات (که مستقلاً توسط قوه مجریه وضع می‌شود) با قانون اساسی، پیش‌بینی شود که فرد قابل محاکمه حق داشته باشد از ایراد عدم مطابقت یک قانون یا مقررات با قانون اساسی، به نفع خود استفاده کند.

سرانجام، کمیسیون توصیه می‌کند همچون ممنوعیت تک حزبی از نظر قانون اساسی در گذشته، ناپدیدی به زور، بازداشت خودسرانه، نسل‌کشی و دیگر جنایات علیه بشریت، شکنجه و هرگونه بدرفتاری یا مجازات‌های خشن، غیرانسانی یا تحقیرآمیز نیز ممنوع شود؛ و هرگونه تبعیضی که در سطح جهانی ممنوع شده، و نیز هرگونه تشویق نژادپرستی، بیگانه‌ستیزی، خشونت و نفرت ممنوع شود.

## II- پذیرش و اجرای يك استراتژی ملی که مبارزه علیه مصونیت از مجازات در آن ملحوظ باشد

کمیسیون بر آن است که لغو مصونیت از مجازات، علاوه بر اصلاحات حقوقی، نیازمند تنظیم و اجرای سیاست‌های عمومی در بخش‌های قضایی، امنیت و حفظ نظم، تعلیم و تربیت مستمر، و همین‌طور شرکت فعال تمامی جامعه می‌باشد. اساس این استراتژی باید قوانین بین‌المللی حقوق بشر باشد، و قانون‌گذاری کیفری با تعهدات بین‌المللی کشور هماهنگ شود، و این:

- با گنجانیدن تعریف، نحوه‌ی اطلاق و عوامل تشکیل دهنده‌ی جنایات ناپدیددی به زور، شکنجه و بازداشت خودسرانه، در قوانین داخلی کشور.

- با برگرفتن تعریف مسئولیت و مجازات مربوطه به صورتی که در اسناد بین‌المللی تعریف شده است.

- با موظف ساختن کلیه‌ی پرسنل نظامی و غیرنظامی مجری قانون به ارائه‌ی کلیه‌ی اطلاعات مربوط به جنایات یادشده، صرف نظر از این که چه مقامی دستور داده باشد.

- با تقویت قابل ملاحظه‌ی حقوق قربانیان و حق فرجام‌خواهی.

## III - علاوه بر این، از نظر کمیسیون، تحکیم حاکمیت قانون نیازمند اصلاحات در زمینه‌ی امنیتی، قضایی، قانون‌گذاری و سیاست کیفری است.

بنابراین، به ویژه توصیه می‌کند:

۱- مدیریت دستگاه امنیتی، که به ویژه نیازمند بالا بردن سطح شفافیت و انتشار متون رسمی است. متونی که به اختیارات، و سازمان‌دهی، روال تصمیم‌گیری و شیوه‌های عمل مربوط می‌شوند و همین‌طور متون مربوط به سیستم‌های نظارت و ارزیابی کلیه‌ی دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی، بدون استثنا و نیز مقامات اداری مسئول حفظ نظم عمومی یا مقاماتی که اختیار توسل به قهر را دارا هستند.

۲- تقویت استقلال قضایی، که علاوه بر توصیه‌ها درباره‌ی قانون اساسی، شامل تجدید نظر در اساسنامه‌ی شورای عالی قضایی از طریق يك قانون سازمند (organique) می‌باشد. بدین منظور، کمیسیون توصیه می‌کند ریاست این شورا به نخستین رئیس دیوان عالی سپرده شود و در ترکیب آن علاوه بر هیئت قضات، بخش‌های دیگر، غیر از قضایی، نیز شرکت کنند، ...

۳- به روز کردن قوانین و سیاست کیفری، که نیازمند تضمین حقوق و اقامه‌ی دعوی علیه نقض حقوق بشر، اجرای توصیه‌ی “نشست ملی درباره‌ی سیاست کیفری” سال ۲۰۰۴ که در شهر مکنس (Meknès) برگزار شد، و اجرای توصیه‌های “شورای مشورتی حقوق بشر” درباره‌ی زندان‌ها (گسترش اختیارات قضات کیفری، تعیین مجازات‌های جانشین و ...)

## IV- چگونگی پیگیری

کمیسیون در پایان مأموریت خود معتقد است که مسائل زیر باید موضوع دادرسی قرار گرفته و پیگیری شوند:

- اجرای تصمیمات مربوط به پرداخت تاوان و پیگیری عملی شدن روش‌های ترمیم و جبران خسارت، و از جمله اعاده‌ی سلامت جسمی و روانی قربانیان، برنامه‌های ترمیم جماعتی،
- اجرای توصیه‌های مربوط به کشف حقیقت در مواردی که هنوز ناروشن مانده اند،
- اجرای توصیه‌ی اصلاحاتی که توسط کمیسیون ارائه شده،
- حفظ و نگهداری آرشیو کمیسیون و آرشیوهای عمومی .

## پانوشتی ها

- ۱- نگاه کنید به گزارش سال ۲۰۰۵ دیده بان حقوق بشر در مورد مراکش ( <http://hrw.org/reports/2005/morocco1100> ) . همچنین نگاه کنید به فدراسیون بین المللی حقوق بشر، "مراکش: مبارزه بر علیه مصونیت کیفری، کمیسیون عدالت و آشتی، و دادگاه جنایی بین المللی"، ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۴. نگاه کنید به عفو بین الملل، "مراکش: عدل و آشتی، اقدامی محدود"، <http://www.amnestyinternational.be/doc/article12.html>
- ۲- سخنرانی ملک حسن دوم به مناسبت تأسیس "شورای مشورتی حقوق بشر". ۸ مه ۱۹۹۰، [http://www.ccdh.org.ma/fr\\_rubrique.php?id\\_rubrique=113](http://www.ccdh.org.ma/fr_rubrique.php?id_rubrique=113)
- ۳- این شورا در ۲۰ آوریل ۱۹۹۰، به فرمان پادشاه مراکش (ملک حسن دوم)، تشکیل گردید.
- ۴- Centre International de Justice Transitionnelle



**The Abdorrahman Boroumand Foundation**

Morocco's  
Justice and Reconciliation Commission  
**Synthesis of the Final Report**



3220 N St NW, Suite 357  
Washington, DC 20007

Promoting human rights and democracy in Iran

در دفاع از حقوق بشر و دموکراسی در ایران